

**اعتصاب سیاسی در کردستان پیروزمندانه به انجام رسید.**

روز شنبه ۲۵ م شهریور در سالروز قتل حکومتی ژینا امینی و آغاز انقلاب زن زندگی آزادی اعتصاب سیاسی و عمومی مردم کردستان در گرامیداشت این روز تاریخی، قاطعانه و پیروزمندانه به انجام رسید. این اعتصاب در شرایطی روی میدهد که طی دو هفته گذشته رژیم جمهوری اسلامی هر چه را که در توان داشت برای جلوگیری از وقوع آن انجام داد. بازداشت دهها تن از فعالین سرشناس مدنی، که تصور می کرد ممکن است نقشی در برپائی این اعتصاب داشته باشند، تهدید صدها نفر از مبارزینی که حبس های تعلیقی داشتند، ملیتارزه کردن شدید همه شهرهای کردستان از جمله این اقدامات بود. پیام سیاسی این اعتصاب عمومی روشن است، «انقلاب ژینا ادامه دارد و مردم ستمدیده و محروم عزمشان برای پیروز شدن جزم است.»

اما مردم کردستان در این مبارزه و مقاومت باشکوه تنها نبودند. در این روز در چند ین نقطه ایران شاهد پشتیبانی مردم از اعتصاب عمومی در کردستان بودیم. و این البته تصادفی نیست، درد مشترک فریاد مشترک می طلبد. تمهیدات رژیم برای جلوگیری از حضور مردم بر سر مزار جانباختگان گسترده و بی سابقه است. بر سر مزار ژینا تانک و خودرو زرهی مستقر کرده اند، دریچه های سد چراغ ویس سقر را باز کرده اند تا راههای فرعی منتهی به آرامستان ایچی را مسدود کنند. این بار به وضوح مردم قدرت پایان ناپذیر خود را در سیمای رژیم مشاهده کردند.

اعتصاب سیاسی عمومی سنتی جا افتاده در جامعه کردستان است. این بار نیز مردم، قدرت مبارزه متحدانه خود را در این شکل اعتراض سیاسی تجربه کردند. با این حال ما هنوز در مسیر رسیدن به پیروزی نهایی مراحل دیگری را پیش رو داریم که باید با خرد سیاسی و با همان اراده و روحیه مبارزاتی تاکنونی، خود را برای پشت سر گذاشتن آنها آماده کنیم. انعطاف در تاکتیکها در یک مسیر استراتژیک روشن، از ملزومات پیروزی ما است. اعتصاب عمومی به عنوان یکی از این تاکتیکها، کارا بودن خود را در مقابل جمهوری اسلامی در زمینگیر کردن و منفعل کردن نیروهای سرکوب نشان داده است. مردم کردستان با در پیش گرفتن این تاکتیک مبارزاتی تاکنون چند بار جمهوری اسلامی را به عقب رانده اند و نیروهای سرکوبگرش را در مقابل اراده متحد خود به زانو درآورده اند. امروز باهم نمونه باشکوه دیگری را از بکارگیری این شیوه مبارزه را آزمودند. این اعتصاب باردیگر سیمای توده ای و اجتماعی خیزش کنونی بر علیه رژیم اسلامی و برای ساختن آینده ای بهتر را به روشنی به مردم جهان نشان داد.

اما اهمیت این مبارزه در تداوم آن است. به همین دلیل وظیفه همه ما، چه در کردستان و چه در کل ایران این است که این مبارزه همچنان و با قوت بیشتر تداوم پیدا کند. ما یک نبرد فرسایشی و هدفمند پیش رو داریم. نبردی که توده کارگران و مردم محروم حاشیه شهرها در همراهی با دانشجویان و زنان برابری طلب در آن نقش سرنوشت سازی ایفا خواهند کرد. بدون شک آنچه که در سال آینده روی خواهد داد مهر تجربیات ارزشمند سال گذشته را بر خود خواهد داشت. تجربیاتی که متاسفانه با بهای سنگینی بدست آمدند. شرایط دشوار زندگی اقتصادی بیش از هفتاد درصد مردم زیر خط فقر، این توده وسیع را به ناچار در مسیر مبارزه با رژیم قرار خواهد داد که هم نان و هم آزادی آنها را به گروگان گرفته است. اگر چه از هم اکنون نمی توان شکل و زمان و مکان رویارویی ها را با دقت تعیین کرد، اما تردیدی نیست که این انقلاب در اشکال متنوع در اعتراضات مردم محلات فقیرنشین حاشیه شهرها، در مدارس و دانشگاهها، چه در کف خیابان و چه در شکل اعتصاب سیاسی عمومی و اعتصابات کارگران و معلمان و اعتراضات بازنشستگان و غیره ادامه پیدا می کند.

اعتصاب عمومی امروز ۲۵ شهریور یکی از عرصه هایی این مبارزه وقفه ناپذیر بود که پیروزمندانه به انجام رسید. دست همه مبارزین و فعالین و مردم متحدی که این پیروزی را ممکن کردند به گرمی می فشاریم و به یاد و یاخطره جانباختگان انقلاب ژینا درود می فرستیم.

زنده باد جنبش انقلابی مردم کردستان  
زنده باد انقلاب «زن، زندگی، آزادی»

کمیته مرکزی کومه له  
سازمان کردستان حزب کمونیست ایران  
۲۵ شهریور ۱۴۰۲  
۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳



**به مناسبت روز جهانی سواد آموزی**

صفحه ۴



**رویداد معدن ذغال سنگ طزره و ایمنی محیط کار در رژیم اسلامی**

صفحه ۳



**سیمای آموزش و پرورش در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی**

صفحه ۷



**جانباختگان جمعه خونین زاهدان نیروبخش تداوم انقلاب ژینا**

صفحه ۲



**گرامی باد یاد چهلمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران**

صفحه ۶



**نمایش قدرت مردم در سیمای هراسان رژیم در سالگرد انقلاب ژینا**

صفحه ۵



# جانباختگان جمعه خونین زاهدان نیروبخش تداوم انقلاب زینا

محل زاهدان تمام جوانانی را دستگیر کرده و با خود بردند که مشغول فوتبال بوده و هیچ کار و اقدام دیگری انجام نداده بودند.

کشتار جمعه خونین زاهدان که در هشتم مهر و کمتر از دو هفته پس از شروع جنبش انقلابی ژینادر سال ۱۴۰۱ رویداد به دستور بالاترین مقامات رژیم، و در راسشان شخص خامنه ای، انجام گرفت تا شاید مردم پیا خاسته در سراسر ایران مرعوب شوند. اما آن فاجعه خونبار بر عکس انتظار طراحان، امران و استراتژین های جانی رژیم آتش انقلاب زینا را شعله تر کرد. جانباختگان آن فاجعه متعلق به جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" بوده و به صورت قهرمانان الهامبخش معترضان فعال در آن جنبش درآمدند. این واقعیت دلیل اصلی شکست تمام تلاش های مزدوران رژیم در به تسلیم کشاندن مردم بلوچستان و خانواده های سربلند جانباختگان می باشد.

\*\*\*



بلوچستان از مدتها پیش اعلامیه ها و فراخوان ها داده و خود را برای برگزاری اکسیون های انقلابی در فردا، روزهای جمعه، و شنبه آماده کرده اند. فضای رادیکال موجود در میان مردم و منطقه سران رژیم و عوامل درجه اول هراسانشان را به انجام حرکات و اتخاذ تصمیماتی واداشته که زبونی آنها را بیشتر و بیشتر آشکار می کند. آنها با گسیل نیرو و تجهیزات از استان های پیرامون بلوچستان، زاهدان و چند شهر دیگر نظیر خاش را به صورت پادگان های در آورده اند. قبل از آن اقدامات نظامی کاربردستان رژیم از مدتی پیش دستگیری های وسیع و فله ای را در سراسر ایران و منطقه شکست خورده است. نبردهای رادیکال در

امنیت ملی مجلس ایران در مصاحبه با رسانه های دولتی گفت که دستور کشتار جمعه خونین زاهدان از تهران صادر شده بود. به نظر می رسد که مقامات اصلی رژیم قصد دارند اتهام دستور کشتار را از خامنه ای دور کرده و علی شمخانی دبیر مملووع "شورای عالی امنیت ملی" را دستور دهنده کشتار عام زاهدان جلوه دهند.

تمام تلاش های سران رژیم که از فردای کشتار عام مردم زاهدان در هشتم مهر ۱۴۰۱ شروع شد و تا همین روزها برای به تسلیم واداشتن مردم ادامه داشته اما بر متن فضای انقلابی در سراسر ایران و منطقه شکست خورده است. نبردهای رادیکال در

برای به تسلیم واداشتن خانواده های جانباختگان و پذیرش دیه افزودند. اخیرا احمد رضا رادان، فرمانده نیروهای انتظامی، به محل سفر کرد تا بلکه افراد صاحب نفوذ و محافظه کار محلی را به همکاری و تحمیل دیه به خانواده های جانباختگان وادارد. اما آنها که کاری از دستشان بر نمی آید جرات نکردند ننگ همکاری با رژیم و جلاد آنرا بپذیرند. رادان با یک عقب نشینی آشکار پذیرفت که ماموران رژیم عامل کشتار بوده اند، اما صراحتا گفت که نظام ماموران خودش را تنبیه نمی کند. این عقب نشینی بدون ثمر اکنون بیشتر هم شده است. اخیرا فداحسین مالکی، عضو کمیسیون

بیشتر کنند. آنها از خانواده های دادخواه میخواستند روایت دولتی را بازگو کنند که گویا عده ای افراد مسلح ناشناس به اصطلاح ضد انقلاب موجب جانباختن فرزندان شان شده اند. آخرین عو ا مفریبی کاربردستان آشفته رژیم عبارت بود از جمع کردن جمعی مزدور مطرود به نام مردم سیستان و بلوچستان در جلسه ۲۰ شهریور امسال با حضور خامنه ای. آخوند علی در جلسه مذکور مطالب نامربوط بسیاری به هم بافت ولی در باره وضع مردم به فقر و بی حقوقی رانده شده بلوچ و جنایات متعدد رژیم علیه آنها هیچ صحبتی به میان نیآورد. بعد از آن جلسه بی حاصل کاربردستان بر تلاش خود

سالگرد قتل عام مردم مبارز بلوچ در زاهدان است. طبق آخرین اطلاعات موجود درحمله مسلحانه ماموران رژیم به صف تظاهر کنندگان لااقل ۹۷ تن جانباختند و بیش از ۳۵۰ نفر زخمی گردیدند. در میان جانباختگان لااقل ۱۳ کودک وجود داشتند که کوچکترینشان دو ساله و بزرگترینشان ۱۴ ساله بود. هفته بعد از آن کشتار ماموران رژیم بر روی صف تظاهرات مردم پیا خاسته خاش نیز آتش گشودند که موجب جانباختن ۱۳ نفر گردیدند.

خامنه ای به دنبال این فاجعه نماینده ای برای به اصطلاح بررسی رویداد به زاهدان فرستاد که با تعداد انگشت شماری از اشخاص مذهبی و قبیله ای به شیوه آمرانه صحبت و برخورد کرد. آن اشخاص نیز در جو انقلابی بلوچستان امکان و جرات سازش نداشته و او را با دست خالی برگرداندند. مقامات محلی دولتی پس از آن ناکامی ماموریت یافتند تا در کنار تلاش برای جذب محافظه کاران صاحب نفوذ در منطقه، تهدید های جانباختگان را



## پیام حزب کمونیست ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳

قرار است روز دوشنبه سوم مهرماه، دانشگاه‌های ایران با بیش از ۴ میلیون دانشجو گشایش یابند. سران و عمال جمهوری اسلامی هراس خود را از گسترش جنبش دانشجویی در سال تحصیلی جدید پنهان نمی‌کنند. طی ماه‌های تابستان به عنوان اقدامات پیشگیرانه دهها فعال جنبش دانشجویی را بازداشت و یا از ادامه تحصیل معلق کردند. دانشجویان معترض و فعالان صنفی در ۱۴ دانشگاه ایران، روز شنبه ۱ مهرماه ۱۴۰۲ و همزمان با آغاز مجدد کلاس‌های درس، با انتشار بیانیه‌هایی بر ادامه تلاش خود برای برپایی اعتراض‌ها و اعتصاب‌های سراسری علیه نظام جمهوری اسلامی تاکید کردند.

در همین رابطه می‌توان به بیانیه شش دانشجویی تعلیق شده اشاره کرد. آنها در بیانیه‌ای که دیروز منتشر شد ضمن غیرموتور دانستن تعلیق‌ها و اخراج‌ها در دانشگاه‌ها نوشتند: «این تعلیق‌ها چیز غریبی نیست؛ چراکه زیست روزمره همگی ما آمیخته با انواع و اقسام تعلیق‌ها است؛ تعلیق آینده، تعلیق از امنیت شغلی، تعلیق از درمان و... آنچه نویدبخش است عظیم بودن شور زندگی است که به فراسوی زنجیر این تعلیق‌هایی که بر زندگی مان استوار کرده‌اند نظر دارد»

همین روحیه را لیلای حسین زاده فعال سیاسی که سابقه سه بار بازداشت را در پرونده دارد، در جلسه دفاع از پایان نامه اش در ۲۹ شهریور از خود نشان داد. او بی اعتنا به تهدیدات موجود بدون حجاب در جلسه دفاع از پایان‌نامه اش شرکت نمود. این روحیه مبارزاتی کار به استان ریز و درشت رژیم متزلزل اسلامی را دچار وحشتی مضاعف کرده است. مرتجعین حاکم در دانشگاه تهران بدون هیچ پرسش و پاسخی دو استاد را صرفاً به دلیل شرکت در جلسه دفاع از پایان‌نامه لیلای حسین زاده معلق کرده و بقیه استادان شرکت کننده در آن جلسه را تهدید کرده‌اند. ترسی که سران جمهوری اسلامی از جنبش چپ دانشجویی دارند، ریشه تاریخی عمیق دارد. در تمام دوران حاکمیت رژیم پادشاهی و اسلامی، جز در مقطع کوتاهی که اصلاح طلبان حکومتی در راس جنبش

دانشجویی قرار گرفتند، دانشجویان چپ و سوسیالیست همواره موتور محرک اعتراضات و مبارزات انقلابی دانشجویان و انعکاس خواسته‌های مبارزاتی و رادیکال درون جامعه بوده‌اند. بسیاری از فعالین و رهبران احزاب و سازمانهای سیاسی مبارز، رادیکال و کمونیست از دانشگاه‌ها فارغ التحصیل و طی دورانی از فعالین جنبش دانشجویی بوده‌اند. مقاومترین زندانیان سیاسی و تسلیم ناپذیر در حکومت‌های سلطنتی و اسلامی از میان دانشجویان برخاسته‌اند. آخوند ها و از جمله خمینی به خوبی میدانستند که جریان چپ و کمونیست در دانشگاه می‌روند تا بساط قرنهای خرافه پراکنی، یاهه گوئی، غارت و فساد آنها را به گور بسپارند. به همین جهت پس از خیزدن به قدرت، در ۴۴ سال گذشته با صرف هزینه‌های کلان و به کار گرفتن شکنجه‌گران، جانیان و مغزهای خشک اندیش بیشترین اقدامات تبلیغی ارتجاعی و سرکوبگرانه خود علیه دانشجویان و استادان چپ و پیشرو را عملی کردند. آنها در این مسیر ضربات سنگینی به جامعه و دانشجویان زدند. اما تمام تاثیران اقدامات ضد انسانی آنها در خیزشهای دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ و بویژه در انقلاب «زن، زندگی، آزادی» نفش بر آب شد و جنبش دانشجویی علیرغم همه این در شرایط کنونی که از گوشه و کنار این جامعه، فریاد اعتراض و مبارزه بلند شده است، در شرایطی که زنان آزاده این جامعه در عرصه‌های مختلف در مقابل ارتجاع اسلامی سینه سپر کرده‌اند، معلمان، بازنشستگان، کارگران و محرومان و ستمدیده‌گان به دادخواهی برخاسته‌اند، در چنین شرایطی بطور طبیعی باید انتظار داشت که جنبش دانشجویی نیز، که از تجربه و سنت‌های مبارزاتی ارزنده‌ای برخوردار است، در سال تحصیلی آینده خود را با فضای عمومی جامعه و مطالبات و خواسته‌های حق طلبانه محرومان و ستمدیدگان هماهنگ سازد.

## رویداد معدن ذغال سنگ طزره و ایمنی محیط کار در رژیم اسلامی

محیط ناامن کار، از اهمال و کوتاهی در تأمین امنیت در محل‌های کار تیرنه کرده‌اند و در عوض کارگران آسیب دیده را مقصر جلوه داده‌اند.

کارفرمایان از سر سودپرستی و حرص و آزی که دارند، نه تمایلی به بهبود امنیت محیط کار دارند و نه نگران از دست دادن کارگران در نتیجه رویدادهای محیط ناامن کارمیشوند. اینها حتی این نگرانی را هم ندارند که کارگران از بیم جان شغلشان را رها کنند. چون میدانند هرگاه اراده کنند میتوانند از میان خیل میلیونی ارتش ذخیره کار، کارگران دیگری را به کار بگمارند و در همان محل و محیط غیراستاندارد و ناامن کار، هر کارشاقی را به آنان تحمیل کنند.

سرمایه داران به چیزی جز ثروت اندوزی نمی‌اندیشند. آنها نمیخواهند هزینه تأمین امنیت در محیط کار را بپردازند. اگر زور مبارزه کارگر بالای سرشان نباشد اصلاً بیاد نمی‌آورند که کارگر هم انسان است و نه یک ابزار در دست آنها برای کسب سود. کشته شدن کارگر در محیط کار و یا آسیب دیدن او چه ناشی از نبود امکانات ایمنی باشد و یا از خستگی زیاد ناشی از ساعات کار طولانی، چه بدلیل شدت کار و چه بدلیل نبود آموزش‌های امنیتی که بایستی در دوره‌های آموزشی کارگران داده شود، همگی در ردیف ارتکاب جرائم جنائی است. به خاطر هر اتفاقی که ناشی از این عوامل باشد کارفرما بایستی به پای میزحاکمه کشیده شود. صدمه دیدن کارگر تا هنگامیکه در یک دادگاه صالح با حضور هیات منصفه‌ای از خود کارگران، عکس آن اثبات نشده باشد جرم جنائی کارفرما محسوب میشود. در موارد نادری هم که احیاناً این عوامل موثر نبوده باشند کارگر آسیب دیده و خانواده اش در هر حال بایستی تحت پوشش کامل بیمه قرار بگیرند.

تا زمانیکه فروش انقلاب کارگران و مردم زحمتکش بساط رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری را درهم نپنجیده است، این خود کارگران هستند که باید به فکر خویش باشند و با اتکاء به مبارزات متشکل خود کارفرمایان و دولت را وادار به تأمین امنیت محیط کار خود بنمایند. کشتار کارگران در محیط کار باید قتل عمد به حساب آید. حوادث محیط کار آنها چه از خستگی کارگر ناشی شده باشند و چه نتیجه عدم رعایت استانداردهای ایمنی، باید به پای کارفرماها نوشته شوند. ایمنی محیط کار هم مانند هر مطالبه دیگری تنها به ضرب مبارزه و همبستگی طبقاتی کارگران به سرمایه داران و دولت حامی آنان تحمیل می‌شود.

\*\*\*

ساعت ۷ و نیم عصر روز یکشنبه دوازدهم شهریور، یکی از تونلهای معدن ذغالسنگ طزره و ایمنی محیط کار دامغان دچار ریزش شد و در نتیجه این رویداد ۶ تن از کارگران به نامهای بهروز افروز، قربانعلی کمالی، حسین غزائیان، حمیدایزدی، ابوالفضل غنایی و محمد نعیمی جانباختند. این کارگران که در عمق ۴۰۰ متری این معدن کار میکردند، گیرافتاده و جان سالمی نجات پیدا نکردند. طمی سالیهای اخیر این سوومین باری است که در این معدن به دلی لسیستم ایمنی ضعیف چنین رویدادی روی میدهد و بارها و بارها خانواده‌هایی را داغدار کرده است. این معدن متعلق به شرکت معادن ذغالسنگ البرز شرقی است که به عنوان یکی از واحدهای زیرمجموعه ذوب آهن اصفهان کار میکند. کارگران بارها به شرایط نا امن کار در این معدن اعتراض کرده و نزد دستگاه قضائی جمهوری اسلامی شکایت حقوقی خود را رسماً به ثبت رسانده‌اند. اما دستگاه قضائی و مسئولین شرکت هر بار با عنوان کردن دروغین زیاندهی شرکت از صرف هزینه ایمن سازی سر باز زده‌اند.

تعدادی از کارگران از بیم اینکه مبادا از کار اخراج شود، از آشکار کردن نام خود خودداری کرده و به خبرنگار خبرگزاری مهر گفته‌اند: «مسئولین با چشم پوشی از خطای کارفرما، علت مرگ این عزیزان را سهل انگاری عنوان میکنند در صورتیکه کارگران این معدن در نبود امکانات ایمنی و نیروهای امدادی ماهر و بعضاً باتجربه، یزشک و اورژانس متناسب با محیط کار، لباس کار، ماسک استاندارد و چکمه کار مجبور به کارکردن هستند، کارفرمایان و مسئولین شرکت تنها به فکر بازدهی و سود معادن تحت پوشش خود هستند نه به فکر کارگری که بایستی ساعت‌ها در عمق بیش از ۴۰۰ متری زمین، ذغال سنگ استخراج کند. مقامات قضائی هم کنارنشسته و فقط نظاره گر از دست دادن جان کارگران هستند. طی سالیهای متوالی شاهد مرگ دلخراش تعدادی از همکارانمان بوده ایم و متأسفانه همچنان شاهد این حوادث تلخ هستیم، به نظر میرسد مسئولین این مرگها را امری طبیعی تلقی میکنند.»

مطابق آمار ارائه شده از جانب مراکز آمار رژیم سالیانه به طور متوسط ۲ هزار کارگر در نتیجه حوادث محل کار جان خود را از دست میدهند و چندین برابر این تعداد زخمی میشوند و از کار می‌افتند. اهمیت حوادث کار از نگاه آسیب‌های اجتماعی دوچندان است. هر کارگری که جان خود را از دست می‌دهد، یک خانواده از هم می‌پاشد. در یک خانواده اگر کارگر غیررسمی‌ای فوت کند، پازماندگان نمی‌توانند مستمراً بگیرند و نان‌آور خانواده از دست می‌رود.

در موارد بیشماری اداره کار و نیز دستگاه قضایی رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی، صاحبکاران و کارفرمایان را با هدف خلاصی از پرداخت غرامت به خانواده‌های قربانیان

\*\*\*





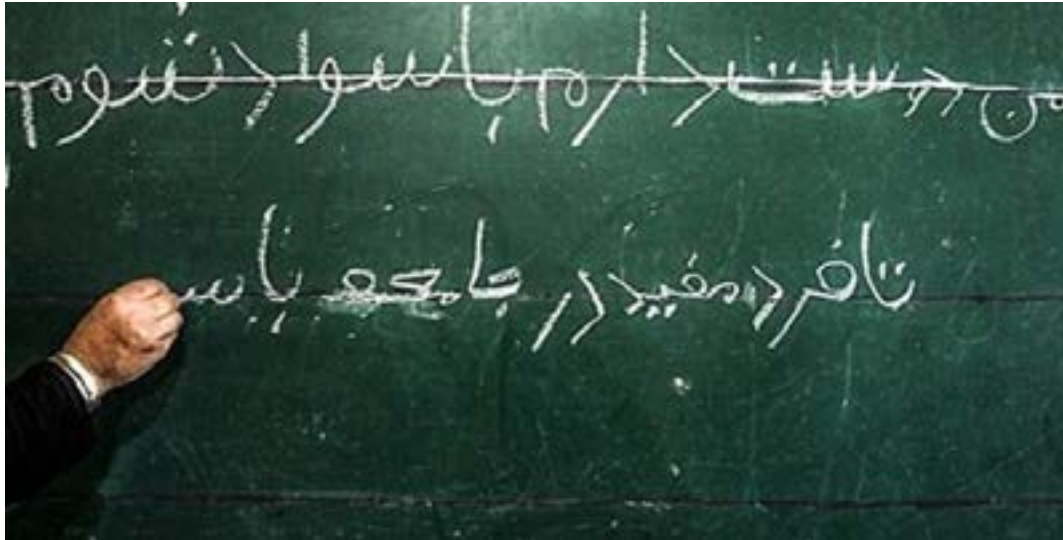
## سخنی به مناسبت روز جهانی سواد آموزی

پرورشی“ به مدارس اعزام میکنند که یا آخوند هستند و یا تعلیم اسلامی دیده‌اند. وظیفه آنها کار فردی و رو در رو با دانش آموزان در جهت خرافی تریبار آوردن آنهاست. مکمل این اقدامات فشار آوردن و دادن امتیازاتی برای ثبت نام کودکان و نوجوانان دانش آموز در سازمان بسیج سپاه پاسداران است. مقامات آموزشی رژیم با جداسازی دختران از پسران می‌کوشند امکانات هم‌نوائی، همفکری و همکاری آنها در مدارس را به حداقل برسانند.

مجبور کردن دانش آموزان به سفر به مناطق جنگی تحت عنوان “کاروان راهیان نور” و تلاش برای پر کردن مغز کودکان از تحریفات تاریخی از دیگر مشکلات دانش آموزان است. سران رژیم با تحقیر افغانستانی‌های مقیم ایران و محروم کردن فرزندان آنها از تحصیل تلاش می‌کنند ناسیونالیسم و شوینیسیم ایرانی را در مغز دانش آموزان ایرانی رسوخ دهند. در دسترس بودن وسیع و ارزان مواد مخدر از دیگر مصائب دامنگیر محیط‌های آموزشی در ایران است.

واقعیات تلخ فوق نشان میدهد که مبارزه با بیسوادی و دیگر مصائب اجتماعی در ایران به مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی گره خورده است. با سرنگونی انقلابی این رژیم است که جامعه ایران در مسیر فائق آمدن بر این معضلات فاجعه بار اجتماعی قرار خواهد گرفت.

\*\*\*



آگاهی و مهارت خود و بهبود زندگی و روابط اجتماعی اش بهره‌گیر. با تبدیل شدن کامپیوتر و اینترنت به بخشی از کار و زندگی لازم است زنان و مردان حداقل توان بکارگیری آنها را داشته باشند. اگر کسی از این توان محروم باشد کمتر خواهد توانست بر اطلاعات و دانش و مهارت خود بیافزاید. اما مشکل کودکان، جوانان و بزرگسالان ایران فقط بیسوادی و یا کم سوادی نیست. گذشته از بیسوادی جمهوری اسلامی به لحاظ کیفیت نیز آموزش را به قهقرا برده است. کودکانی که از تحصیل باز می‌مانند، روانه بازار بیرحم کار میشوند و بخش اعظم آنها در فردای بزرگسالی هم دیگر هرگز امکان سواد آموزی را نخواهند یافت. سران رژیم تمام تلاش خود را به کار می‌برند تا این دانش آموزان را خرافی، فاقد شخصیت مستقل و مطیع و سر بزیر بار بیاورند. کاربردستان آموزشی برای پر کردن تمام اوقات دانش آموزان و شستشوی مغزی آنها کسانی را نیز به نام “مربی

مدارس راه می‌یابند. جمهوری اسلامی علیرغم اینکه چنین وانمود می‌کند که گویا به حل مشکل بیسوادی اهمیت می‌دهد، اما از آنجایی که بیشترین بخش بودجه هر سال رژیم صرف فعالیت‌های نظامی و امنیتی و دستگاه‌های تولید و ترویج خرافه در داخل و خارج کشور می‌شود و بازار فساد و غارتگری مالی و اداری گرم است، هیچ یک از طرح‌های متعددی که تا کنون بکار گرفته است سرانجامی موفق نداشته اند.

امروز در شرایطی که حتی داشتن توان خواندن و نوشتن معیار کافی برای باسواد بودن نیست، کارگزاران رژیم از وجود ۲۸ میلیون بیسواد گزارش می‌دهند. بر طبق تعاریف مرکز آمار ایران، کسی که بتواند متون ساده را به زبان فارسی بنویسد یا بخواند جزو افراد باسواد محسوب می‌شود و معادل تحصیلی اول ابتدایی است. اما بر اساس معیارهای امروزی باسواد کسی است که بتواند از سوادش برای ارتقاء

روز جمعه هشتم سپتامبر، برابر با ۱۷ شهریور، روز جهانی سواد آموزی بود. در سال میلادی ۱۹۶۶ این روز به پیشنهاد یونسکو، سازمان آموزش علمی و فرهنگی سازمان ملل، وارد تقویم این سازمان شد. بنا به آمارهای ارائه شده از جانب یونسکو نزدیک به ۸۰۰ میلیون نفر در جهان بیسواد وجود دارد. در آمارهای یونسکو ارائه داده بیسواد به اشخاصی گفته می‌شود که از امکان خواندن و نوشتن محروم هستند. اما در دنیای امروز محرومیت از امکان استفاده از اینترنت و سایر وسایل ارتباطی را نیز باید در مفهوم بی سوادی جای داد. از اینرو در واقع آمار بیسوادی واقعی بسیار بیش از این رقم است. براساس تخمین‌های یونسکو، به دلیل فقدان فرصت کافی، سالانه ۳۰ تا ۵۰ میلیون نفر به لیست افراد بی‌سواد جهان اضافه می‌شوند. بر اساس آمارهای رسمی یونسکو در سراسر جهان حدود ۸۰ میلیون کودک وجود دارند که حتی به آموزش‌های

مقدماتی هم دسترسی ندارند. در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی بنا به گزارش مرکز آمار ایران ۲۸ میلیون نفر از جمعیت کشور بیسواد اند. بر اساس آمارهای رسمی که به هیچ وجه میزان واقعی بیسوادی را در ایران منعکس نمی‌کنند، ایران در میان ۱۷۸ کشور جهان در ردیف ۱۲۰م قرار دارد. آشکار است که شمار بیسوادان در میان کارگران و اقشار محروم جامعه بسیار از تعداد بیسوادان در میان اقشار دیگر بیشتر است. همچنین بیسوادی در میان زنان دو برابر مردان است و اکثریت بی سوادان در روستاها ساکن اند. همچنین در میان مناطق مختلف ایران استانهای کرد نشین، که در آن کودکان از آموزش به زبان مادری هم محروم هستند، بیشترین آمار بی سوادی را دارند و از این لحاظ در ردیف استان سیستان و بلوچستان هستند. علاوه بر آمار بالای بیسوادی در میان بزرگسالان، در ایران از ۲۰ میلیون کودک واجد شرایط تحصیل تنها ۱۲ میلیون نفر از آنها به



## ارزیابی مشترک حزب کمونیست ایران و

### سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

قدرت انقلاب ژینا و ناتوانی و درماندگی رژیم است.

**نمایش قدرت مردم در سیمای هراسان رژیم در سالگرد انقلاب ژینا**

**دوم -** فراخوان اعتصاب سیاسی عمومی گرامیداشت سالگرد انقلاب «زن، زندگی، آزادی» در کردستان پاسخ شایسته خود را گرفت. علیرغم سرکوب و نظامی سازی کامل مناطق کردنشین، اعتصاب عمومی یک حرکت بسیار موفق و درخشان در مقابله با حکومت نظامی بود. موفقیت آن حاصل کار مستمر تشکلهای توده ای، مدنی، محل کار و زندگی است که پشتوانه طولانی گارسازمانگرا دارند و می توانند یک الگو برای مقابله با رژیم ضد مردمی حاکم باشند. اعتصاب سیاسی عمومی سنتی جا افتاده در جامعه کردستان است. این بار نیز مردم، قدرت مبارزه متحدانه خود را در این شکل اعتراض سیاسی به نمایش گذاشتند.

**سوم -** با این حال ما هنوز در مسیر رسیدن به پیروزی نهایی، مراحل دیگری را پیش رو داریم که باید با خرد سیاسی و با همان اراده و روحیه مبارزاتی تاکنونی، خود را برای پشت سر گذاشتن آنها آماده کنیم. انعطاف در تاکتیکها در یک مسیر استراتژیک روشن، از ملزومات پیروزی ما است. اعتصاب عمومی به عنوان یکی از این تاکتیکها، کارا بودن خود را در مقابل

**اول -** جمهوری اسلامی تمام توان سرکوب خود را به کارگرفت تا مانع از برگزاری مراسم مختلف گرامیداشت انقلاب ژینا شود. اقدامات رژیم برای جلوگیری از حضور مردم بر سر مزار جانباختگان، گسترده و بی سابقه بود. آنچه در این روز شاهد آن بودیم در واقع یک حکومت نظامی کامل در سراسر ایران بود. گسترده ترین این اقدامات در شهر سقز، زادگاه ژینا امینی (نامی که رمز انقلاب شد) صورت گرفت. تمام راه های منتهی به آرامستان ایچی را از ۲۴ ساعت قبل مسدود کردند، بر سر مزار «ژینا» تانک و خودروزهری مستقر کردند. دریچه های سد چراغ ویس سقز را باز کردند تا راههای فرعی منتهی به آرامستان ایچی را هم مسدود کنند. این بار مردم به وضوح قدرت پایان ناپذیر خود را در سیمای هراسان رژیم مشاهده کردند. برقراری حکومت نظامی نشان دهنده عمق بحران رژیم است. زیرا حکومت نظامی یعنی شرایطی اضطراری که یک حاکمیت در بوته هست و نیست قرار میگیرد. بنابراین برخلاف ادعای رژیم، خود حکومت نظامی نشان دهنده

ایستادگی و شجاعت بازنشستگان، خانواده های داغ دیده جانباختگان و غیره ادامه خواهد یافت.

**ششم -** سالگرد خیزش انقلابی ژینا تفاوت مهمی را آشکار ساخت. تفاوت واقعی بودن بخشی از فراخوانها (نمونه کردستان که احزاب ارتباط واقعی با پایگان توده ای خود دارند و فراخوانها سنجیده و مطابق با واقعیت توازن قوای مبارزاتی است) و پاره ها بودن فراوان نیروهای (اعم از راست و چپ) که با تشکل های دست ساز و پرروی کاغذی و صرفاً با هدف سودجویی تبلیغاتی شعارهای دهن پرکن میدهند و فضای کاذب و توقع ایجاد شده توسط آنها و عدم عملی شدن شعارهای شان تاثیرات منفی بر جای می گذارد.

**هفتم -** در خارج از کشور نیز ایرانیان در کشورهای مختلف با سالگرد خیزش انقلابی ژینا اعلام همبستگی کردند که ضمن آن حضور نیروهای چپ مترقی شایان تحسین بود. اما نیاز به هماهنگی های سراسری هرچه بیشتر میان آنها نیز ضرورتی است که همه نیروهای مسئول باید به آن توجه کنند. حضور ایرانیان خارج از کشور در این آکسیونها در شهرهای بزرگ اروپا، آمریکا و استرالیا و حمایت فعالان سیاسی وابسته به احزاب مترقی این کشورها

های مبارزاتی چگونه نیروهای سرکوب را منفعل و زمینگیر سازند.

**پنجم -** آزمون روزهای اخیر و بویژه آن چه در سالگرد انقلاب ژینا شاهد آن بودیم نشان داد تداوم این مبارزه با اجتناب از تلفات بیشتر اهمیت ویژه ای دارد. در واقع ما یک نبرد فرسایشی و هدفمند را پیش رو داریم. نبردی که توده کارگران و مردم محروم حاشیه شهرها در همراهی با دانشجویان و زنان برابری طلب در آن نقش سرنوشت سازی ایفا خواهند کرد. بدون شک آنچه در سال پیش رو رخ خواهد داد، مهر تجربیات ارزشمند سال گذشته را بر خود خواهد داشت. تجربیاتی که متأسفانه با بهای سنگینی به دست آمده اند. شرایط دشوار زندگی اقتصادی بیش از هفتاد درصد مردم زیر خط فقر، این توده وسیع را به ناچار در مسیر مبارزه با رژیم قرار خواهد داد که هم نان وهم آزادی آنها را به گروگان گرفته است. اگرچه از هم اکنون نمی توان شکل و زمان و مکان رویارویی ها را با دقت تعیین کرد، اما تردیدی نیست که این انقلاب در اشکال متنوع در اعتراضات مردم محلات فقیرنشین حاشیه شهرها، در مدارس و دانشگاهها، چه در کف خیابان و چه در شکل اعتصاب سیاسی عمومی و اعتصابات کارگران، معلمان،

جمهوری اسلامی در زمینگیر کردن و منفعل کردن نیروهای سرکوب نشان داده است. مردم کردستان با درپیش گرفتن این تاکتیک مبارزاتی تاکنون چند بار جمهوری اسلامی را به عقب رانده اند و نیروهای سرکوبگرش را در مقابل اراده متحد خود به زانو درآورده اند. روز ۲۵ شهریور با زهم نمونه با شکوه دیگری را از به کارگیری این شیوه مبارزه آزمودند. این اعتصاب باریکرسیمای توده ای و اجتماعی خیزش کنونی علیه رژیم اسلامی و برای ساختن آینده ای بهتر را به روشنی به مردم جهان نشان داد.

**چهارم -** در سالگرد ژینا شاهد شکل گیری و تداوم نافرمانی مدنی در سطح توده ای توسط زنان ایران بودیم، که حتی در شرایط حکومت نظامی و تهدید کامل، زنان دلاورما بدون هراس، آزاد پوشی خود را در برابر نیروهای تانک داندان مسلح رژیم به نمایش نهادند. این تاکتیک در ترکیب با سایر اعتراضات، از جمله اعتصاب زندانیان سیاسی به مناسب سالگرد انقلاب ژینا، شعارها از خانه ها و پشت بام ها در برخی از محله های شهرهای بزرگ نشان دهنده تجربه اندوزی توده ها برای مقابله با اقدامات سرکوبگرانه رژیم است. مردم آموخته اند که با انعطاف در تاکتیک

و سخنرانی هایشان در حمایت از خیزش انقلابی مردم ایران، در برجسته تر کردن نقش این خیزش انقلابی در افکار عمومی کشورها نقش برجسته ای داشته است.

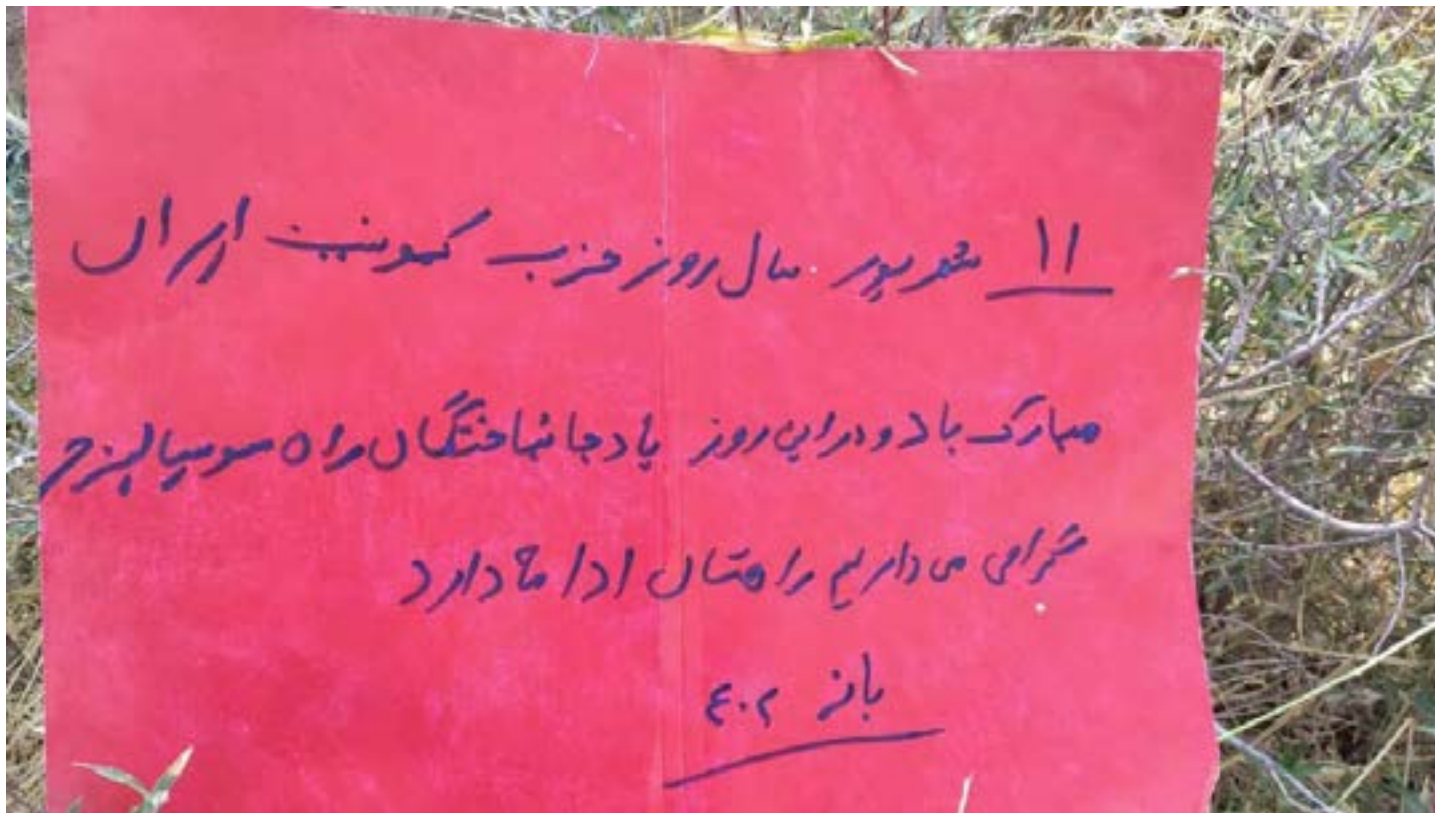
هشتم - انعکاس گسترده جهانی سالگرد شهادت ژینا در اکثر کشورها بسیار چشم گیر بود. در بسیاری از کشورها، رسانه ها و مطبوعات اصلی، مقالات، گزارش ها، فیلم های متعددی در باره خیزش انقلابی ژینا منتشر کردند. استقبال افکار عمومی جهانی و به ویژه زنان از انقلاب «زن، زندگی، آزادی» باعث شده است که بسیاری از مقامات دولتی و مصدر مشاغل مهم نیز در باره اهمیت انقلاب ژینا اظهار نظر کنند. واقعیت این است که در دهه های اخیر هیچ خیزش انقلابی در سطح بین المللی با این استقبال و همدلی مواجه نشده است.

سرنگون باد رژیم  
جمهوری اسلامی  
پیروز باد انقلاب مردم  
ایران  
زنده باد آزادی،  
دمکراسی و  
سوسیالیسم

سازمان کارگران انقلابی  
ایران (راه کارگر)  
حزب کمونیست ایران  
دوشنبه ۲ مهر ۱۴۰۲ برابر  
با ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۳



# گرامی باد یاد چهلمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران



روز ۱۱ شهریور ۱۴۰۲ حزب کمونیست ایران وارد چهلمین سال تاسیس خود می‌شود. در سالگرد چنین روزی یاد و خاطره فداکاری‌های هم‌زمانی را که در صفوف این حزب، در زندان‌ها و زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها یا بر چوبه‌دار و در برابر جوخه آتش دژخیمان جمهوری اسلامی و یا در سنگرهای مقاومت انقلابی در کردستان، در صفوف نیروی پیشمرگ کومه‌له، در نبرد رو در رو با دشمن، جان و زندگی و هستی‌شان را در راه رهایی انسان استثمار شده و ستم‌دیده فدا نمودند، گرامی می‌داریم و به خانواده‌های مقاوم و سربلندشان درود می‌فرستیم. در این روز همچنین به پایداری و استقامت فعالین کارگری و کمونیست‌های در بند و همه زندانیان سیاسی که برای دفاع از باورها، برنامه و آرمانشان، رودروی رژیم سرکوبگر حاکم قرار گرفته و به اسارت گرفته شده‌اند، درود می‌فرستیم و از مبارزه و مقاومتشان قدردانی می‌کنیم. به امید اینکه فروش مبارزه مردم محروم استثمار شده و ستم‌دیده جامعه درهای زندان‌ها را بشکند، رژیم سرمایه داری اسلامی را از قدرت به زیر بکشد و همه آزادگان در بند، با لبخند شادی و پیروزی بر لب به آغوش عزیزانشان برگردند.

چهلمین سال تاسیس حزب کمونیست ایران در زمانی فرارسیده است که سیستم سرمایه داری امپریالیستی در یک بحران ساختاری گرفتار است و در ایران نیز یک جنبش انقلابی سیاسی و اجتماعی در جریان است که عامل وحدت آن شعار "زن، زندگی، آزادی" و نام رمز آن ژیناست. حزب کمونیست ایران همه توان خود را برای تقویت و پیشبرد این انقلاب و تحقق این شعار به کار می‌گیرد. حزب کمونیست ایران برای برپائی حکومت شورایی و برای تحقق آزادی و سوسیالیسم از طریق سازمان دادن مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشانش تلاش می‌کند. سوسیالیسم وسائل تولید و ثروت‌های عمومی را در خدمت منفعت مشترک جامعه به کار می‌اندازد. با خلع ید از طبقه سرمایه دار، موقعیت اقتصادی و اجتماعی ممتاز

آنان را به مثابه طبقه حاکمه سلب کرده و آن‌ها را به شهروندان عادی جامعه تبدیل می‌کند. سوسیالیسم هدف تولید را نه کسب سود، بلکه تامین نیازهای جامعه قرار می‌دهد. سوسیالیسم به جای دیکتاتوری سرمایه بر اقتصاد جامعه با روش‌های بوروکراتیک آن، برنامه ریزی عقلانی، دموکراتیک و مبتنی بر مشارکت و تصمیم‌گیری آگاهانه و آزادانه عامه مردم را، مبنای کار خود قرار می‌دهد. سوسیالیسم به جای سیستم مبتنی بر اجیر کردن اکثریت جامعه از طرف اقلیتی که وسائل تولید معیشت را در انحصار خود گرفته‌اند، کار همگانی، مشارکت همگانی و برخورداری همگانی را خواستار می‌شود. استثمار انسان به دست انسان پایان می‌یابد. سوسیالیسم تامین زندگی شایسته برای تمام اهالی را هدف خود قرار می‌دهد و کودکان و

سالم‌خوردگان و بیماران را با مراقبت و احترام تحت حمایت می‌گیرد. سوسیالیسم رشد تکنولوژی را در خدمت تامین نیازهای مادی و معنوی انسان و سعادت او پی می‌گیرد و کاهش ساعات کار را در برنامه خود قرار می‌دهد. سوسیالیسم دیوار عبور ناپذیر تقسیم کارهای اسارت‌آور طبقاتی کنونی را درهم می‌شکند و برای اولین بار امکان واقعی برای آموزش دلخواه و کار دلخواه را بر روی اکثریت مردم می‌گشاید. جامعه‌ای که در آن دغدغه معیشت روزانه و محدودیت‌های تباه‌کننده آن زندگی انسان‌ها را در خود نخواهد فشرد و اصل: «از هر کس مطابق توانش، به هر کس مطابق نیازش» حاکم خواهد بود. سوسیالیسم جامعه کنونی با طبقات و امتیازات طبقاتی که بر بیگانگی، عجز و افراد آحاد انسانی

استوار است، همراه با ایدئولوژی‌ها و خرافات توجیه‌کننده آن، به موزه تاریخ خواهد سپرد و بر جای آن اجتماع آزاد افرادی خواهد نشست که در آن رشد آزاد هر فرد شرط رشد آزاد همگان است. حزب کمونیست ایران در مسیر رسیدن به اهداف حداکثری خود برای تامین کلیه آزادی‌های دموکراتیک، از جمله برابری زن و مرد، جدائی دین از دولت، حق تعیین سرنوشت ملت‌های تحت ستم، لغو مجازات اعدام، تامین بیمه‌های اجتماعی برای همه شهروندان و غیره مبارزه می‌کند. تمام تاریخ انقلابات گواهند که تحقق اهداف مذکور تنها با نیروی آگاهی، همبستگی، طبقه کارگر ممکن خواهد شد در همین راستا جنبش انقلابی ژینا بیش از هر زمان دیگر ضرورت داشتن ستاد رهبری سراسری برای هدایت مبارزات

علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داری را برجسته کرد. این ستاد باید یک حزب کمونیست و یا احزاب کمونیست همبسته‌ای باشد متکی به سوسیالیسم علمی به روز شده در قرن بیست و یکم، انترناسیونالیست، روشن بین، غیرسکتاریست و دارای برنامه و خط مشی روشن، جهت سازمان دادن مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشانش و مردم محروم و ستم‌دیده در مسیر سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم در ایران. اکنون بعد از ۴ دهه جمهوری اسلامی در درون تناقضات خود و زیر ضربات مبارزات توده‌ای و انقلاب ژینا به لب‌گور رسیده است. زمینه‌ای بوجود آمده است تا حزب کمونیست ایران در کنار کمونیست‌ها، کارگران آگاه، زنان آزاده، دادخواهان جسور و همه آزادیخواهان در سطح سراسری به وظایف انقلابی خود عمل کند.

\*\*\*



## سیمای آموزش و پرورش در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی

خود را بسازند و با دست های خود پاره ای از مناسبات و مفروضات علمی را که در ذهنشان بوجود می آید مورد تجربه و آزمایش قرار دهند. اما در مدارس ایران به علت تراکم زیاد دانش آموزان در کلاسها، نبود وقت کافی و نبود آزمایشگاه، کارگاه و وسائل کمک آموزشی، معلم به تنهایی به محور همه آموزشها تبدیل شده است. چنین روشهایی فرصت و مجال پژوهش دسته جمعی و تبادل نظر و مشارکت در زمینه های مختلف را از دانش آموزان سلب میکند و دانش آموزان مجبورند استعداد خود را در حفظ کردن طوطیوار آنچه معلم به زبان می آورد نشان دهند.

در مدارس ایران از یک طرف به دلیل حجم زیاد کتابهای درسی، کمبود وقت و تراکم دانش آموزان و از طرف دیگر به دلیل عدم تسلط همه جانبه معلمان در بحث های مورد نظر، دانش آموزان فرصت و حق مشارکت اظهار نظر پیدا نمی کنند. این شیوه تدریس مانع رشد و بروز خلاقیت های شاگردان شده و کلاسهای درس را به محیطی خسته کننده تبدیل کرده است. روشن است در فضایی آکنده از مسائل بی ربط به زندگی و مشغله های واقعی دانش آموزان، کلاس درس و مدرسه جداییت خود را برای دانش آموزان از دست میدهد و به محیطی خسته کننده و ملال آور تبدیل می شود. آنگاه که کلاسهای درس به محیطی یکنواخت و ملال آور تبدیل شوند، واکنشهای طبیعی دانش آموزان گاهی از جانب معلم با ناسازها و تنبیه های بدنی و ناسازگویی بیشترین لطمه را به شخصیت کودکان و جوانان وارد می آورد. هنگامی که معلمان از حاصل و نتیجه تدریس خود در کلاس خرسند نیستند و یا نگران آنند که شاگردان آنچه را یادگرفته اند فراموش کنند، تکالیف سنگینی را بر دوش شاگردان خود مینهند تا در خانه آن را انجام دهند. این روش که بسیار هم معمول است دانش آموزان را از درس و مدرسه میراند.

از آن گذشته در سیستم آموزشی ایران به ورزش و پرورش جسمی و نقش سازنده آن در مورد کودکان و جوانان توجه جدی نمی شود. کودکان و نوجوانان به علت نبود مکانهای مناسب در سطح شهر و یا روستا و همچنین به دلیل زندگی کردن در آپارتمانها و خانه های کوچک و شلوغ مکانی برای ورزش و بازی کردن ندارند. فضاهای تنگ مدرسه ها هم اصلا چنین فرصتی را به دانش آموزان نمیدهد.

در این شرایط تنها با به میدان آمدن نیروی عظیم دانش آموزان و دانشجویان، معلمان و استادان مبارز و با پیوند دادن مبارزات آنان با مبارزه کارگران و دیگر بخشهای معترض جامعه می توان نه تنها می توان تلاش جمهوری اسلامی برای تسلط بر فضای آموزشی را خنثی نمود، بلکه راه را برای رها کردن جامعه ایران از چنگال ارتجاع اسلامی حاکم هموار نمود.

\*\*\*



## پیام حزب کمونیست ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳

آورد. بدین ترتیب شغل آموزگاری نه تنها پاس داشته نمی شود، بلکه مورد تبعیض و تحقیر نیز قرار میگیرد. هزاران معلم حق التدریس، با قرار استخدام موقت با پائین ترین دستمزدها، سالها در دور افتادگی رین نقاط مشغول به کار هستند. آنها حتی از داشتن دفترچه بیمه درمانی هم محروم هستند. بخش وسیعی از این معلمان که به دلیل کار در مناطق دورافتاده، قادر به پیدا کردن شغل دومی هم نیستند، ماههای تابستان را به کارگری و سختترین کارها ناچار می شوند. تعطیلات برای آنها، نه تنها به معنی آسودگی و رفع خستگی از ۹ ماه کارت دریس مداوم نیست، بلکه با تن خسته و کوفته از کار طاقت فرسا سال تحصیلی جدید را آغاز میکنند. با همه این سختیهایی که معلمان متحمل میشوند، آنچه که مایه امید است، این واقعیت است که معلمان ایران در برابر چنین شرایطی تسلیم نشده اند. اعتراضات معلمان در سالهای اخیر همواره بخشی از حرکت زنده این جامعه بوده است.

در ایران آزاد شده فردا از چنگال رژیم اسلامی با جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش از مذهب، همه توانایی دانش آموزان به جای اندیشه های خرافی به آموزشیهای علمی معطوف خواهد شد. اگر برای دانش آموزان به اقتضای سنشان، قدم نهادن به کلاسی بالاتر و دیدن دوستان و همکلاسیها و همبازیهایشان شور و اشتیاق و شادی ایجاد کرده است، برای معلمان آغاز سال پرنجی دیگر برای دسته و پنجه نرم کردن با مشکلاتی است که امسال و هر سال گریبانشان را میگیرد. پائین بودن سطح حقوق معلمان با توجه به تورم و گرانی روز افزون، زندگی توده معلمان ایران را زیر خط فقر قرار داده است. بسیاری از آنان برای تامین معیشت خانوادههایشان ناچارند بعد از پایان کار در مدرسه، شغل دیگری پیدا کنند. بدین ترتیب ساعتها کار طاقت فرسا نه تنها مجالی برای لذت بردن از کانون خانوادگی برایشان باقی نمی گذارد، بلکه مستقیماً بر امر تدریس و آموزش در سر کلاس هم تاثیر میگذارد و به ناچار کیفیت آنرا پائین می آورد. روش ناهماهنگ پرداخت حقوقها در ایران، معلمان را در مقایسه با سایر حقوق بگیران دولتی عملاً به عنوان شهروندان درجه دو به حساب می

حزب کمونیست ایران  
اول مهرماه ۱۴۰۲

\*\*\*

جوانان از مذهب در ابعاد اجتماعی است. در حالیکه هر ساله مبالغ نجومی و بدون حساب و کتابی صرف گسترش سلاحهای کشتار جمعی و سرکوب اعتراضات مردم می شود، آموزش و پرورش ایران از لحاظ بودجه ای که به آن اختصاص داده می شود در وضعیت فلاکتباری قرار دارد. وسائل کمک آموزشی در مدارس و دبیرستانها که هم میتوانستند در یادگیری دانش آموزان موثر باشند و هم قدری از رنج کار معلم را تخفیف دهند، در حد ناچیزی هستند. کلاسهای درس حداقل دو برابر ظرفیت دانش آموزان را در خود جای داده اند. شمار زیادی از مدارس در روستاها و محلات فقیرنشین دارای کلاسهای نم دار، اتاقهای ترک خورده، سرد و بدون سوخت و بدون نور کافی هستند. محیطهای آموزشی پلیسی اند، رژیم با بسیجگیری و مزدورپروری، این محیطها را بشدت ناامن ساخته است. شماری معلم دلسوز و معترض بازداشت شده و در زندان به سر می برند، آنها هم که دستگیر نشده اند، هر چند وقت یکبار به نهادهای امنیتی رژیم احضار میشوند و مورد تهدید قرار میگیرند. اعتراضات دسته جمعی و تجمعات معلمان که خواستهای صنفی خود را مطرح میکنند، مورد یورش پلیس قرار میگیرد.

یکبار به نهادهای امنیتی رژیم احضار میشوند و مورد تهدید قرار میگیرند. اعتراضات دسته جمعی و تجمعات معلمان که خواستهای صنفی خود را مطرح میکنند، مورد یورش پلیس قرار میگیرد. اگر برای دانش آموزان به اقتضای سنشان، قدم نهادن به کلاسی بالاتر و دیدن دوستان و همکلاسیها و همبازیهایشان شور و اشتیاق و شادی ایجاد کرده است، برای معلمان آغاز سال پرنجی دیگر برای دسته و پنجه نرم کردن با مشکلاتی است که امسال و هر سال گریبانشان را میگیرد. پائین بودن سطح حقوق معلمان با توجه به تورم و گرانی روز افزون، زندگی توده معلمان ایران را زیر خط فقر قرار داده است. بسیاری از آنان برای تامین معیشت خانوادههایشان ناچارند بعد از پایان کار در مدرسه، شغل دیگری پیدا کنند. بدین ترتیب ساعتها کار طاقت فرسا نه تنها مجالی برای لذت بردن از کانون خانوادگی برایشان باقی نمی گذارد، بلکه مستقیماً بر امر تدریس و آموزش در سر کلاس هم تاثیر میگذارد و به ناچار کیفیت آنرا پائین می آورد. روش ناهماهنگ پرداخت حقوقها در ایران، معلمان را در مقایسه با سایر حقوق بگیران دولتی عملاً به عنوان شهروندان درجه دو به حساب می

روز شنبه اول مهرماه سال جدید تحصیلی در ایران رسماً آغاز می شود، اما آغاز سال تحصیلی جدید برای دانشگاهها از سوم مهرماه خواهد بود. در این روزها بیش از ۱۶ میلیون دانش آموز کودک و نوجوان و بیش از ۴ میلیون دانشجو به همراه نزدیک به ۲ میلیون معلم و هزاران استاد دانشگاه، سال تحصیلی جدید را آغاز خواهند کرد. آمارها نشان میدهد که بیش از ۳ میلیون دانش آموز نیز به دلیل فقر خانواده ها از تحصیل باز مانده اند. باز شدن مدارس و حضور مجدد دانش آموزان و دانشجویان در مدارس جنب و جوش تازه ای به فضای شهرها بخشیده است. ولی در دل این شادمانی، محروم ماندن میلیونها کودک نوجوان، از رفتن به مدرسه هر وجدان بیداری را آزار میدهد. اینان کودکان کار و خیابان هستند که بخشی از جمعیت واجد شرایط تحصیل را تشکیل میدهند و از رفتن به مدرسه باز میمانند. به شمار این کودکان محروم از تحصیل کودکان مهاجر افغانستانی را نیز باید اضافه کرد.

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می شود که قریب یک سال از آغاز خیزش انقلابی ژینا با شعار زن، زندگی، آزادی، میگذرد. انقلابی که دانشجویان و دانش آموزان، معلمان و استادان دانشگاه نقش برجسته ای در پیشبرد آن ایفا کردند. در این یک سال مکانهای آموزشی کانونهای پرشور این جنبش سراسری بودند، دانش آموزان مبارز و دانشجویان پیشرو و تجارب ارزنده ای آندوختند که بدون شک توشه راه مبارزات آتی خواهد بود. آزمون سال گذشته و نیز کل تجربه جنبش دانشجویی و دانش آموزی ایران نشان داده است که دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانها و معلمان و استادان متعهد میتوانند هم آموزشهای خود را پی بگیرند و هم بخش جدایی ناپذیری از اعتراض و همبستگی سراسری باشند. همین تجربه را معلمان مبارز هم در سطوح مختلف تحصیلی میتوانند عملی کنند.

اگر چه زهر ارتجاع مذهبی در سیستم آموزشی ایران تزریق شده است. این سیستم از پیشرفتهای علمی و روشهای اصلاح شده آموزشی که در سطح جهان صورت گرفته محروم است اما با وجود این رژیم پروژهای آموزشی رژیم شکست خورده اند و نماد برجسته آن رویگردانی



## انتظارات از جنبش دانشجویی در سال تحصیلی جدید



قرار است روز دوشنبه سوم مهرماه، دانشگاههای ایران با بیش از ۴ میلیون دانشجو گشایش یابند. سران و عمال جمهوری اسلامی هراس خود را از گسترش جنبش دانشجویی در سال تحصیلی جدید پنهان نمی کنند. طی ماههای تابستان به عنوان اقدامات پیشگیرانه دهها فعال جنبش دانشجویی را بازداشت و یا از ادامه تحصیل معلق کردند. دانشجویان معترض و فعالان صنفی در ۱۴ دانشگاه ایران، روز شنبه ۱ مهرماه ۱۴۰۲ و همزمان با آغاز مجدد کلاسهای درس، با انتشار بیانیههایی بر ادامه تلاش خود برای برپایی اعتراضها و علیه نظام جمهوری اسلامی تاکید کردند. در همین رابطه می توان به بیانیه شش دانشجویی تعلیق شده اشاره کرد. آنها در بیانیه ای که دیروز منتشر شد ضمن غیرمؤثر دانستن تعلیقها و اخراجها در دانشگاهها نوشتند: "این تعلیقها چیز غریبی نیست؛ چراکه زیست روزمره همگی ما آمیخته با انواع و اقسام تعلیقها است؛ تعلیق از آینده، تعلیق از امنیت شغلی، تعلیق از درمان و... آنچه نویدبخش است عظیم بودن شور زندگی است که به فراسوی زنجیر

این تعلیقهایی که بر زندگی مان استوار کردهاند نظر دارد" همین روحیه را لیلای حسین زاده فعال سیاسی که سابقه سه بار بازداشت را در پرونده دارد، در جلسه دفاع از پایان نامه اش در ۲۹ شهریور از خود نشان داد. او بی اعتنا به تهدیدات موجود بدون حجاب در جلسه دفاع از پایان نامه اش شرکت نمود. این روحیه مبارزاتی کار به دست ریز و درشت رژیم متزلزل اسلامی را دچار وحشتی مضاعف کرده است. مرتجعین حاکم در دانشگاه تهران بدون هیچ پرسش و پاسخی دو استاد را صرفاً به دلیل شرکت در جلسه دفاع از پایان نامه لیلای حسین زاده معلق کرده و بقیه استادان شرکت کننده در آن جلسه را تهدید کرده اند. ترسی که سران جمهوری اسلامی از جنبش چپ دانشجویی دارند، ریشه تاریخی عمیق دارد. در تمام دوران حاکمیت رژیم پادشاهی و اسلامی، جز در مقطع کوتاهی که اصلاح طلبان حکومتی در اس گرفتند، دانشجویان چپ و سوسیالیست همواره موتور محرک اعتراضات و مبارزات انقلابی دانشجویان و انعکاس خواستههای مبارزاتی و رادیکال درون جامعه بوده اند.

از فعالین و رهبران احزاب و سازمانهای سیاسی مبارز، رادیکال و کمونیست از دانشگاهها فارغ التحصیل و طی دورانی از فعالین جنبش دانشجویی بوده اند. مقاومترین زندانیان سیاسی و تسلیم ناپذیر در حکومتهای سلطنتی و اسلامی از میان دانشجویان برخواسته اند. آخوند ها و از جمله خمینی به خوبی میدانستند که جریان چپ و کمونیست در دانشگاه می روند تا بساط قرنهای خرافه پراکنی، یاهو گوئی، غارت و فساد آنها را به گور بسپارند. به همین جهت پس از خیزدن به قدرت، در ۴۴ سال گذشته با صرف هزینه های کلان و به کار گرفتن شکنجه گران، جانینان و مغزهای خشک اندیش بیشترین اقدامات تبلیغی ارتجاعی و سرکوبگرانه خود علیه دانشجویان و استادان چپ و پیشرو را عملی کردند. آنها در این مسیر ضربات سنگینی به جامعه و دانشجویان زدند. اما تمام تاثیران اقدامات ضد انسانی

آنها در خیزشهای دیمه ۹۶ و آبان ۹۸ و بویژه در انقلاب "زن، زندگی، آزادی" نقش پر آب شد و جنبش دانشجویی علیرغم همه پیشتاز باقی ماند. در شرایط کنونی که از گوشه و کنار این جامعه، فریاد اعتراض و مبارزه بلند شده است، در شرایطی که زنان آزاده این جامعه در عرصه های مختلف در مقابل ارتجاع اسلامی سینه سپر کرده اند، معلمان، بازنشستگان، کارگران و محرومان و ستمدیده گان به دادخواهی برخاسته اند، در چنین شرایطی بطور طبیعی باید انتظار داشت که جنبش دانشجویی نیز، که از تجربه و سنتهای مبارزاتی ارزنده ای برخوردار است، در سال تحصیلی آینده خود را با فضای عمومی جامعه و مطالبات و خواسته های ستمدیدگان هماهنگ سازد.

\*\*\*

سایت های حزبی

سایت کومه له

www.komalah.org

سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.net

یاد جان باختگان کومه له و حزب کمونیست ایران

www.yadihawrean.com

سردبیر: ابراهیم عزیززاده

ادیتور: جمشید عبیدی

## روز جهانی صلح در دنیای پر آشوب



و فرهنگ و همه دستاوردهای بشری را در پی نخواهد داشت و در بهترین حالت انسان را، البته اگر انسانی باقیب ماند، به بربریت هزاره های گذشته باز میگرداند. یا جامعه را از این گذرگاه سخت عبور خواهد داد و به جهان عاری از جنگ و خشونت، سرشار از آزادی و رفاه و برابری، جهان سوسیالیسم رهنمون خواهد شد. جهانی که در آن کلیه تبعیضات اقتصادی، جنسی، نژادی، ملی، که مسبب جنگها و خشونتها هستند، ملغم میشوند، جامعه ای که در آن وسیعترین آزادیهای فردی و سیاسی برقرار خواهد شد. جامعه ای که خرافات و عقب مانده گیهای فرهنگی را به موزه تاریخ می سپارد و شرایطی را فراهم میکند که در آن "رشد آزاد هر فرد شرط رشد آزاد همگان باشد". اما چنین جامعه ای به خودی خود متولد نخواهد شد. تضادها و بحرانهای درونی این نظام، استثمار و جنگ و فقر به خودی خود به ناپودی آن منجر نمیشوند. این تحول سرنوشتساز به آگاهی، سازمان و رهبری، به مبارزه هدفمند کارگران، آنهایی که هیچ نفعی در ادامه مناسبات حاکم بر جامعه کنونی ندارند، به فعالیت مشترک و همراهی همه انسانهایی که مخاطرات این نظام زندگی آنها را نیز به سوی باهی سوق میدهد نیاز دارد. صلح جهانی را از جنگ سالاران نمیتوان انتظار داشت، باید به نیروی خود برای ایجاد صلح واقعی دست به دست هم دهیم.

این سازمان در طی زمانی که جهان تغییرات چشمگیر کرده نه تنها قادر به تامین صلح از طریق حل تناقضات در جهان شده، بلکه در خدمت منافع دولت های دارنده حق وتو، بویژه امپریالیسم آمریکا، بوده و بر جنگها و تجاوزات بسیاری صحنه گذاشته است. جنگی که از ابزارهای اصلی سرمایه داران و دولتپاشان برای غلبه بر تناقضات و تامین منافعشان می باشد. بنابراین نه تنها مجمع عمومی سازمان ملل، بلکه کل سازمان قادر به تامین هیچگونه صلحی در جهان نبوده و نیست. صلح فقط در شرایط استقرار یک رژیم سوسیالیستی تامین شدنی است. اقتصاد جهانی بیش از هر زمانی به توسعه و به کارگیری سیستمهای جنگی، کنترل اجتماعی و سرکوب وابسته شده است، تا از این طریق کسب سود و انباشت سرمایه را با وجود رکود مزمن و اشیاع بازاریهای جهانی تداوم بخشد. از این مسئله تحت عنوان «انباشت نظامی» یاد می شود و به شرایطی اطلاق می شود که طی آن اقتصاد جهانی مبتنی بر جنگهای دائمی دولتی، کنترل اجتماعی و سرکوب قرار می گیرد که در حال حاضر با تکنولوژیهای جدید دیجیتال نیز تقویت شده است. از سال ۲۰۰۸ و وقوع بحران مالی در آسیای شرقی و در سراسر جهانی بوده ایم که در یک سوی آن طیف راست افراطی جدید و در سوی دیگر گروه بندیهای نوینی از چپهای میلیتانت قرار خیزشگر در بدنه جامعه قرار دارند. بحران ساختاری کنونی در نظام سرمایه داری شورشهای طبقات و افشار تحت ستم را برانگیخته است. کارگران، دهقانان فقیر و سایر زحمت کشان -جملگی به انواعی از اعتصابات و اعتراضات در جایجای دنیا دست زده اند. از ایران تا شیلی، از سودان تا سریلانکا، از آمریکای لاتین تا ایالات متحده یک گرایش رادیکال و چپ به طور خیزنده شروع شده و در جایی مثل ایران به جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" یا انقلاب ژینا فرا روئیده است.

جنگی که از ابزارهای اصلی سرمایه داران و دولتپاشان برای غلبه بر تناقضات و تامین منافعشان می باشد. بنابراین هرگونه ادعای صلح، که در سخنان چند روز پیش جو بایدن در هفتاد و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل وجود داشت الفاظی بی اساس، ریاکارانه و فریبکارانه بیش نیست. صلح فقط در شرایط استقرار یک رژیم سوسیالیستی تامین شدنی است.

\*\*\*

روز ۲۱ سپتامبر، برابر با ۳۰ شهریور ۱۴۰۲ در تقویم سازمان ملل متحد روز جهانی صلح نامگذاری شده است. این روز در سال ۱۹۸۱ میلادی توسط پنجاه و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد تعیین گردید. در میان دولت های صاحب حق وتو به جز جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، هیچکدام از روسای جمهور چین، روسیه، فرانسه و نخست وزیر بریتانیا در اجلاس شرکت ندارند. هر ساله همزمان با برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل، این روز در صحن سازمان ملل متحد، باصطلاح گرامی داشته می شود. اما طنز روزگار این است که گرامیدارندگان روز جهانی صلح در سازمان ملل متحد، در عین حال خود برپاکندنگان جنگ و بانیان آوارگی و فقر و خشونت در جهان هستند. آنها در حالی در این روز دم از صلح میزنند که تلاش میکنند، بحرانهای اقتصادی خود را با دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی مهار کنند، زرادخانه های خود را روز به روز بیشتر از سلاح های کشتار جمعی پر میکنند و زیر سایه جنگ و یا وحشت از جنگ به حیات خود ادامه میدهند. تنها در روز بعد از شروع نشست مجمع عمومی دولت آذربایجان قره باغ را توپ باران کرد و خطر شروع جنگی در منطقه را کلید زد.

روز جهانی صلح در حالی فرامیرسد که در نتیجه جنگ و خشونت و ترور، فقر و آوارگی و دیکتاتوری، امروز زخمهای عمیقی بر پیکر بشریت شسته است. جنگ ویرانگر اوکراین همچنان ادامه دارد و چشمانداز پایان آن متصور نیست. خاورمیانه در آتش جنگهای امپریالیستی، محلی و نیابتی میسوزد. جنگ در سوریه صدها هزار کشته، چند برابر آن نافرمانان عضو، ده میلیون آواره به جای گذاشته است. ارتش فاشیست ترکیه در سه بخش از چهار بخش کردستان دست اندر کار سرکوب مبارزات عادلانه مردم کرد است. در یمن تنها بر اثر بمبارانهای هوایی عربستان سعودی از سال ۲۰۱۵ به این سو، نزدیک به ۲۰ هزار نفر از مردم عادی کشته و دهها هزار نفر زخمی و ناقص العضو شده اند که بیشتر آنها کودکانند. بر اساس گزارش کمیسرین مستقل حقوق بشر، در جریان سال ۲۰۱۹ دو هزار و ۸۱۷ غیرنظامی در افغانستان کشته و ۷ هزار و ۹۵۵ غیرنظامی زخمی شده اند. نزدیک به نیمی از این تلفات را کودکان تشکیل میدهند. بر صدر تمام اینها فاجعه جنگ اوکراین قرار دارد که همچنان در جریان بوده و تا کنون چشم اندازی برای پایان دادن به آن تصویر نشده است.

در کنار جنگ، قحطی و بیماری و آوارگی، گریبان قاره همیشه گرسنه آفریقا را رها نمیکند. روز جهانی صلح در حالی گرامی داشته می شود که در نتیجه جنگ و خشونت و فقر و ناامنی، ۷۵ میلیون نفر از خانه و کاشانه خود آواره شده اند. در بسیاری از نقاط جهان ابتدائترین حقوق بشر یا خشن ترین شیوه ها پایمال میشود. برنده جایزه جهانی صلح، یانی و توجیه کننده وحشیانه ترین کشتارها و پاکسازی قومی و مذهبی در میانمار است.

اکثریت آنهایکه امروز در سازمان ملل متحد جمع شده اند و زنگ صلح در حضور آنها به صدا در میاید، سازماندهندگان ارتش های تا دندان مسلح، تولیدکنندگان و انبار کنندگان سلاحهای کشتار جمعی، برپاکندنگان زندانها و شکنجه گاهها و چوبه های دار، پامال کنندگان حقوق ابتدایی بشر، مسببین استثمار کودکان، سردسته مافیاهای ثروت و قدرت، مجرمین ردیف اول همه آسیبهای اجتماعی هستند. آنها پاسداران نظامی هستند که حاصل رنج و کار میلیاردها انسان را میبلعند و راه خود را از درون آتش و خون به قیمت سلب امنیت و سلب حق حیات از همین انسانها هموار میکنند. آنها پاسداران نظامی هستند که با سودجویی خود نه به انسان و نه به محیط زیست انسان هم رحم نمیکند. در راس آنها کسانی مانند دونالد ترامپ وجود دارند که حتی به قراردادهای فرمال برای حفظ محیط زیست انسان تن نمیدهند.

در چنین شرایطی بشریت دو راه پیشتر پیش رو ندارد. یا به سرنوشتی که اینان برای انسان تدارک دیده اند، تمکین خواهد کرد که در این صورت سرانجامی جز ناپودی تمدن